

دانشگاه ایرانی کجای کار ورزش قهرمانی است؟

فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۲۰ مرداد ۱۴۰۲ | شماره ۲۲۰۴ | WWW.FDN.IR

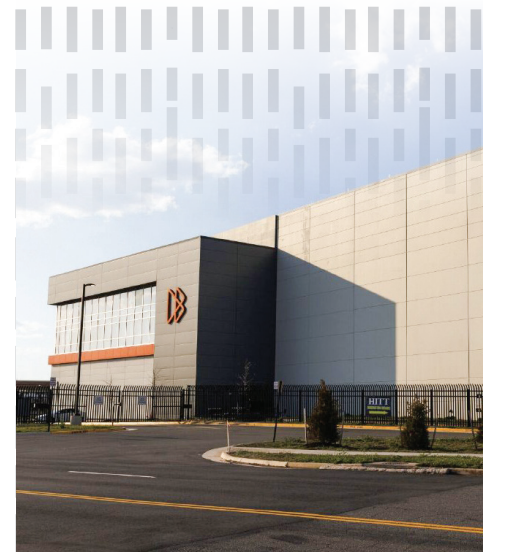
AI به جز تکنولوژی، مصرف انرژی جهان را هم متحول خواهد کرد

فقط ۱۶ کشور

بیشتر از

کل مراکز داده

برق مصرف می کنند



«قفنوس» ایران در سکوی پنجم مسابقات بین المللی خودروی فرمول دانشجویی

برای نجات خودروسازی روی دانشجویها حساب کنید!



دکتر طهرانچی:

به مشارکت ۱۵ هزار دانشجو و دانش آموز در جشنواره های قرآن افتخار می کنیم

اختتامیه هفدهمین دوره مسابقات قرآنی دانش آموزان و کارکنان سما و هفتمین دوره جشنواره پاسداشت زبان و ادبیات فارسی دانش آموزان سما با حضور دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در مشهد مقدس برگزار شد. دکتر طهرانچی در ابتدای این مراسم با ادای سلام و احترام خدمت امام رضا (ع) اظهار کرد: «حضرت علی این موسی الرضا (ع) امامی است که سه سال از زندگی خود را به دور از خانواده و در غربت گذراند که ما یارانش باشیم. در مهندسی الهی نعمت وجود بیکر این امام همام به ایران امانت سپرده شد. وی ادامه داد: «این شهر به برکت نام ایشان و محل شهادتشان مشهد نام گرفت؛ سرزمینی که قطعه ای از بهشت است. ما ایرانی ها باید برای این نعمت بزرگ سجده شکر به جای آوریم و قدر آن را نیک بدانیم.» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه در گذشته ساکنان مشهد مقدس و افرادی که به آن می آمدند دو عنوان بیشتر نداشتند، گفت: «هر که در این شهر زندگی می کرد، «مجاور» و هر که به آن می آمد، «زائر» نام می گرفت، یعنی وجود امام (ع) محور این شهر بود و عنوان هر کس در نسبتش با امام تعریف می شد.» دکتر طهرانچی تأکید کرد: «این موضوع نشان می دهد واژه ها و اسامی تفکر سازند. وقتی عناوین مجاور و زائر را به کار می بریم در حقیقت از یک مفهوم متعالی استفاده کرده ایم. واژگانی که امروز می خواهند آن را با «شهریوند» و «گردشگر» جایگزین کنند که شهر در آن اصالت دارد و محور است. بله، در اصفهان شهریوند و گردشگر باید استفاده شود اما در مشهد مجاور و زائر؛ بنابراین لغت ها فرهنگ ساز و تفکر سازند.»

به گفته وی وقتی می خواهند فرهنگی را به ما قالب کنند، در ابتدا تیتربش را درست می کنند، برای همین شما باید با زبان فارسی عجبین شوید؛ چرا که اگر برخابید از فرهنگ غنی خود دفاع کنید باید با این زبان آشنا باشید. رئیس دانشگاه آزاد با ذکر مثال تشریح کرد: «عالم بر مبنای زوجیت و امر مقدس ازدواج شکل گرفته است. این امر مقدس اگر انسانی و باقاعده بود، ازدواج است ولی اگر بی قاعده صورت گرفت به آن ازدواج سفید می گویند. این ازدواج حیوانی است و انسانی نیست؛ آن را سفید می نامد تا ازدواج را در مقابل سیاه بنامد. بله، در میان حیوانات ازدواج و زن و شوهر نمی بینید. نامش را ازدواج سفید می گذارند تا رفتار انسان را به سمت ناپسانمائی بیزند.»

به گفته دکتر محمد مهدی طهرانچی فرهنگسازي در لغت سازي است؛ اگر می شود. در این ۱۴۰۰ سال قرآن دست نخورده باقی مانده است. ویژگی خاص دیگر قرآن آن است که بعد از ۲۰۰ سال علم دنیا که اصلاح عربی نبود به زبان قرآن تغییر پیدا کرد. وی گفت: «همه کتاب ها را مردم خلق کردند و فقط یک کتاب است کتاب حضرت حق است و شکی در آن نیست (لاشک فیه) که آن هم قرآن است، بنابراین عمری که برای قرآن صرف می کنید، برای لایزترین کتابی است که بشر باید با آن مانوس شود. قرآن فقط برای قوم یس معون (کسانی که گوش می دهند) نیست، بلکه برای افرادی است که تغفل، تفکر و تدبر دارند. ما افتخار می کنیم در صحنه دانشجویی دانشگاه آزاد ۹۰ هزار و در عرصه دانش آموزی سما ۶۰ هزار نفر و مجموعاً بیش از ۱۵۰ هزار نفر مشارکت در دو طرح قرآنی داشته ایم. لذا از همه کسانی که کمک می کنند تا دانشگاه پای کتاب قرآن بماند تشکر می کنم.»

گفتنی است در پایان این مراسم از برگزیدگان هفدهمین مسابقات قرآنی دانش آموزان و کارکنان سما و همچنین هفتمین جشنواره پاسداشت زبان و ادبیات فارسی دانش آموزان سما تقدیر شد.



بخش دهم

رئیس دانشگاه ملی ایران و شاه

دروغی به نام «شرکت ملی نفت ایران»؟

کتاب «رئیس دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی شیخ الاسلام، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهیختگان» از اوایل مرداد ماه بخش های مختلف آن را منتشر کرده است و در ادامه می توانید بخش دهم این گزیده خوانی را مطالعه کنید که به بررسی آنچه در مشروطه حزب سوم رخ داده می پردازد.

پدیده حکومت دکتر مصدق و ملی کردن صنایع نفت که منجر به تشکیل و برقراری دیکتاتوری محمدرضاشاهی شد برای مدت یک ربع قرن مهم ترین و دردناک ترین محصول دوران مشروطه سوم بود برای ملت ایران از آن تاریخ تاکنون سی و شش سال است ما هرسال جشن ملی شدن صنایع نفت را می گیریم که هیچ گاه ملی نشد و برای دکتر مصدق نوحه سرایی می کنیم که محصول غیرقابل اجتناب و حتمی حکومت او روی کار آوردن حکومت اجتناق و دزدی و آدم کشی محمدرضاشاه یعنی صد چندان هولناک تر از حکومت پدرش رضاشاه بود. شاید در نظر اقوام و ملل دیگر دنیا به خصوص آنها که منافع مستقیم از نفت ما برده اند مضحک و قابل استهزا باشد که ملت ایران برای عملی که نتوانسته است انجام دهد و شکست خورده یعنی ملی کردن صنایع نفت به جای ابراز انزجار از بنیانگذاران آن ابراز تشکر می کند و جشن و شادمانی راه می اندازند. چگونه می شود باور کرد مرد استخوان دار و کازکشته در امور سیاسی و مملکت داری مانند مصدق نتواند به موقع بفهمد که هر ساعت ممکن است خارجی ها به وسیله ارتش و محمدرضاشاه که تشنه حکومت مطلقه بود و ۱۲ سال عقده خفارت داشت کودتایی راه بیندازند و او را سرنگون کنند. محمد رضا شاهی که در تمام دوران مصدق از هرگونه کارشنکی در امر حکومت خودداری نکرده بود. سیاست موازنه منفی مصدق جز در عالم پندار و استمنای فکری و بحث آکادمیک چه ارتباطی با ایرانی می تواند داشته باشد که چنانکه قبلاً اشاره کردیم وضع منطقه ای او بین روسیه و آمریکا مشخص و معلوم شده بود و روسیه و باطنی ایدای ایرانی اش نظیر حزب توده به هیچ وجه قدمی برخلاف مطامع و نظرات جدی آمریکا بر نمی داشتند. چگونه روسیه داغان شده از جنگ که هنوز سلاح اتمی نداشت، می توانست با آمریکا ابرقدرت و تنها دارنده زرادخانه اتمی وارد جنگ وستیز شود آن هم برای منافع نسبتاً ناچیزش در ایران؟ بسیاری نویسندگان و مورخان معتقدند دکتر مصدق از همان چشمه آب برمی داشته که رضاشاه، سیدضیاء الدین و امثال آنها آب می گرفته اند. استدلال آنها به طور اختصار این است که چرا دکتر مصدق در حالی که یک جوان تازه فارغ التحصیل از مدارس اروپا و بدون هیچ گونه تجربه و سابقه خدمت قابل ذکر اداری بوده، اولاً از راه غیرطبیعی شیراز به وطن برگشته و ثانیاً چنین مرد جوانی با این خصوصیات یک مرتبه قبل از ورود به تهران به مقام والی فارس یعنی یکی از چهار ایالت کل مملکت ایران منصوب شد. ایالتی که منطقه نفوذ و تقریباً زیر نظر مستقیم انگلیس ها اداره می شد. زمان رضاشاه هم ضرر و خسارتی مانند بسیاری از رجال صدر مشروطیت که حتی جان شان را از دست دادند به او وارد نیامده. در حالی که بیشتر اوقات خانه نشین بوده، دامادش دکتر متین دفتری به نخست وزیر رضاشاه منصوب شده بود. بعد از رضاشاه هم بلاشک تمام کسانی که بیست سال تا چهل سال از عمرشان گذشته بود، مطلقاً مصدق را نمی شناختند و اکثریت رای دهندگان را تشکیل می دادند، به این مرد ناشناخته بدون کوششی از طرف خودش چنان گرویدند و رای دادند که به عنوان وکیل اول تهران انتخاب شد؟ چگونه جمال امامی یکی از پایه های مجالس قمار اشرف پهلوی که خود و خانواده اش از خادمین و سرسپردگان قدیمی دربار و سفارت انگلیس بودند پیشنهاد نخست وزیری به دکتر مصدق کرد و مصدق هم فوری پذیرفت؟ در ظرف چندسال نخست وزیری به تدریج تقریباً با فلج کردن و تعطیل مجلس، اعمال و افعال و گفته های خود را قانونی ساخت. اگر ریگی به کفش نداشت چرا با پیشنهاد اداره کردن نفت ملی ایران وسیله یک سازمان بین المللی و آن هم برای مدتی کوتاه، موافقت نکرد. شقاق و تفرقه و جدایی جبهه ملی از همزمان با یکدیگر و

مخالف خوانی ها و اعتراض سید ابوالقاسم کاشانی و قهر و دعوی با مصدق همه ساختگی و دعوی زرگری بود و داستان قائم مشوک که همه سرود کی بود کی بود من نبودم را بخوانند؟ در یک سخن همه در پس آینه طوطی صفت بوده اند و هرچه استاد ازل گفته بگو گفته اند و رفته اند. اینکه یک عده مردان عاقل و بالغ باریان ازجان گذشته شده اند برای یک امر مهم ملی و بدون هیچ گونه دلیل منطقی و به ضرر انجام مهمی که دارند یک مرتبه به جان هم بیفتند و به یکدیگر ناسزا بگویند امر ساده ای نمی تواند باشد. در همان زمان گاه و بیگاه رادیوهای مخالف آمریکایی ها از خارج در برنامه های فارسی خودشان اشاراتی داشتند و بعدها مسلم شد، تمام اعتصابات و سروصدا کارکنان و کارگران صنایع نفت در جنوب و بالاخص آبادان و طرح مخالفت شدید با شرکت نفت ایران و انگلیس و نهایتاً پیشنهاد دروغ ملی کردن صنایع نفت که جز حرف و رجزخوانی و فحاشی و خرابی وضع اقتصادی مملکت محتوای ملی نداشت و همه و همه مربوط به اختلاف شدید بین بریتیش پترولیوم و شرکت های نفتی آمریکا بود که نتوانسته بودند در تقسیم و یغمای ایران با هم موافقت کنند. انگلیس ها می خواسته اند مانند بعد از جنگ جهانی اول آمریکایی ها را از منافع نفت ایران محروم دارند و آمریکایی ها که فتح متفقین را مرهون قشون و قدرت خود می دانستند و قدرت مطلق در صحنه بین المللی شده بودند زیر بار ادامه بک تازی انگلیس ها نرفته اند. این علم شنگه را آمریکایی ها راه انداخته اند و نهایتاً ترومن رئیس جمهور آمریکا، اورل هریمن فرماندار نیویورک را مامور اصلاح بین آمریکایی ها و انگلیس ها کرده تا او با تقسیم نفت ایران بین دارندگان سابق و مدعیان لاحق نزاع را حل و فصل کند و چون حل و فصل دعوی مشکل بوده و طول کشیده، توافق شرکت های ذی نفع و تصمیم به کودتای ۲۸ مرداد برای زمان ریاست جمهور آیزنهاور باقی مانده بود. این هریمن همان مرد سالخورده و مجربی است که از طرف ترومن نزد مصدق آمد و دست خالی برگشت و باز در زمان کندی برای از ملاقات با شاه مصاحبه تلویزیونی داشت در تهران.

نویسنده این سطور در تابستان سال ۱۹۶۷ در شهر واشنگتن مصاحبه اورل هریمن را با والتر کرن کیت در کانال دو تلویزیون آمریکا با چشم خود دیده و با گوش خود شنیده که هریمن مراتب فوق مبنی بر اختلافات شرکت های نفتی و دخالت خود را به تفصیل به استحضار آمریکایی ها رساند. بنابراین دکتر مصدق را آمریکایی ها سرکار آوردند و آمریکایی ها به اتفاق انگلیس ها از اریکه قدرت به زیر کشیده اند. بعد از سقوط مصدق، شاه و بعضی از وزیران کابینه مصدق یعنی سرلشکر زاهدی نخست وزیر و دکتر علی امینی وزیر دارایی عاقد قرارداد جدید کنسرسيوم شدند و صنایع نفت کماکان برای مدت بیست و پنج سال قابل تمدید برای پنجاه سال به دست خارجی ها افتاد و برای ما اسم بی مسمی و دروغی به نام «شرکت ملی نفت ایران» روی کاغذ جا چاپ شد. هر چند سال یک بار هم اعلیحضرت یکی از پیوزترین و بیکاره ترین و بله قربان گوتترین مستخدمین خودشان را به عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران تعیین فرمودند که ظاهراً شرط قطعی انتخاب و انتصاب او بی اطلاعی کامل وی از صنایع نفت بود و بر فرض شخص ذی صلاحیتی هم تعیین می فرمودند فایده نداشت، چون به کار بستن مفاد قرارداد لعنتی و ظالمانه جدید هم با خارجی ها بود و از به اصطلاح مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران کاری ساخته نبود و مدیرعامل کنسرسيوم همه کاره و مسئول صنایع نفت بود و روزهای چهارشنبه هر هفته برای صرف ناهار حضور اعلیحضرت شرفیاب می شد. این بود خلاصه آنچه از حکومت دکتر مصدق و ملی شدن نفت و سقوط مصدق و ریشه کن کردن مشروطه سوم در زمان حاضر جزء اطلاعات عمومی است و مطالبی است غیر قابل انکار. لکن نویسنده این سطور در آن زمان تحت تاثیر افکار بچگانه با جوانانه خودم دلایل قطعی داشتم که می دانستم دکتر مصدق اعم از صالح یا طالح و فرشته یا دیو شکست خواهد خورد و حکومت او زمینه سازی برای ایجاد دیکتاتوری است که بعداً روی کار آمد.

ادامه دارد....